Pazhuheshnameh Irfan
N.30.spring & summer (2024)
pages:245- 263

Identification of the mystical personality and genealogy of Sheikh Baba Roshan and its influence on the thought of elders and elders of northwest Iran (Ardebil) from the perspective of historical and archaeological studies

Manouchehr Nourzadeh[1]/Behrouz Afkhami[2]

Abstract: Roshan Amir, known as Baba Roshan by the locals, is considered one of the most important and influential mystics of the 6th century AH. This prominent figure took up the profession of Sufism. With a few references to his historical sources, he is introduced as the father of Sheikh Zahid.
Sheikh, having a pivotal role among the famous mystics of his time and becoming a trans-regional figure, became very important. In addition to those wayfarings, he gathered his descendants and grandchildren in the circle of Sufism. Among the most important of them, we can mention Sheikh Zahed Gilani, the teacher of Sheikh Safiuddin Ardabili, the leader of the Safavid *Tariqat*. This mystic and his tomb has not been examined in terms of identification, historical, and archaeological studies, and its location remains unknown. This article is about its introduction and genealogy and the answer to its mystical personality and its relationship with Sheikh Zahid Gilani. Currently, his tomb is located near Khashe Hiran village, Nemin city, Ardabil province. This is an analytical and descriptive research.
Key words: Baba Roshan, Sufism, Sheikh zahed, Namin, Tomb

1. Corres ponding author, archeology PhD student, University Mohaghegh Ardabil, nourzadeh@uma.ac.ir.m=
2. Professor of Archeology Department, University of Mohaghegh Ardabili

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-10-08]

[DOI: https://doi.org/10.22034/15.30.245]

پژوهشنامه عرفان، دوفصلنامه علمی، سال پانزدهم، شماره سی‌ام، بهار و تابستان ۱۴۰۳، صفحات ۲۶۳- ۲۴۵

هویت‌یابی شخصیت عرفانی و نسب‌شناسی شیخ بابا روشن وتأثیر آن بر اندیشه مشایخ و پیران شمال‌غرب ایران (اردبیل) از منظر مطالعات تاریخی و باستان‌شناختی

منوچهر نورزاده*/ بهروز افخمی**

چکیده: روشن امیر (بابا روشن) یکی از مهم‌ترین عارفان قرن ششم هجری محسوب می‌شود. این شخصیت برجسته مسلک صوفی‌گری و تصوف را در پیش گرفت. با اشاره اندک منابع تاریخی، وی پدر شیخ زاهد معرفی می‌شود، شیخ با داشتن نقش محوری در میان عارفان مشهور هم‌دوره خود و تبدیل به شخصیت فرامنطقه‌ای اهمیت بسیاری پیدا کرد. علاوه‌برآن سالکان، نوادگان و احفاد خود را نیز در حلقه صوفیه گرد آورد، ازجمله مهم‌ترین آن شیخ زاهدگیلانی، استاد شیخ صفی‌الدین اردبیلی رهبر طریقت صفویه را می‌توان نام برد. این عارف و محل آرامگاه وی از منظر هویت‌یابی، مطالعات تاریخی و باستان‌شناختی مورد بررسی قرار نگرفته و تاکنون ناشناخته و مغفول مانده است. نوشتارحاضر در پی معرفی و نسب‌شناسی وی و پاسخ به چگونگی شخصیت عرفانی وی و نسبت آن با شیخ زاهد گیلانی است. هم اکنون مقبره ایشان در نزدیکی قریه خشه حیران، شهرستان نمین از استان اردبیل قرار دارد. این تحقیق به روش تحلیلی - توصیفی تد وین شده است.

کلیدواژه‌ها: بابا روشن، تصوف، شیخ زاهد، نمین، مقبره

---

* دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی (نویسنده مسئول)

رایانامه: m.nourzadeh@uma.ac.ir

** استاد گروه باستان‌شناسی دانشگاه محقق اردبیلی رایانامه: bafkhami@uma.ac.ir

مقاله علمی پژوهشی است. دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۸/۲۳؛ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۱۲/۵

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-10-08]

[DOI: https://doi.org/10.22034/15.30.245]

مقدمه:

تصوف معانی مختلفی تعبیر دارد. عمدتاً به مفهوم صاف شدن و پاکی از آلایشات دنیوی و خالص شدن از ظواهر مادی از طریق آداب سلوک و تزکیه نفس است. به کسی که صوفی است پشمینه‌پوش هم گفته می‌شود.

در منطقه عنبران شهرستان نمین از استان اردبیل، بیش از بیست تن از عارفان و مشایخ شناخته شده هستند که مقابرشان در آبادی‌های این شهرستان پراکنده‌اند. تعداد بیشتر شان دارای بقعه و بنای آرامگاه تاریخی بوده که متعلق به دوره‌های مختلف هستند. بعضی از این بناها توسط اهالی محل ویا ادارات متولی، بازسازی و مرمت شده‌اند. تعدادی نیز بناها ثبت در فهرست آثار ملی کشور ثبت شده‌اند که به‌عنوان جاذبه‌های گردشگری فرهنگی – مذهبی منطقه و ایران شناخته می‌شوند. اهمیت شیوخ، پیرها و باباها برای ساکنان محلی فوق‌العاده برجسته است. مردم محلی در مواقعی از سال برای رضایت خدا و قبولی حاجات به این علما و عرفا که از احترام و تقدس بالایی برخوردارند، تمسک کرده و طلب یاری می‌کنند.

بعضی از این اولیا هنوز هم ناشناخته مانده و شمار اندکی دربارۀ آن‌ها نوشته‌اند، درحالی‌که پژوهشی درمورد آن‌ها تا به حال صورت نگرفته است. ازاین‌رو ضرورت ایجاب کرد که در هویت‌یابی و شناخت این عارفان تحقیق اساسی و منسجمی صورت پذیرد.

بابا روشن (روشن امیر) یکی از عارفان تاثیرگذار منطقه اردبیل بوده است. شخصیت عرفانی شیخ از اهمیت بالایی برخوردار و برجسته بودن آن در میان اهل سلوک منطقه قابل تأمل است. مهم‌تر اینکه در برخی منابع مکتوب وی از نیاکان شیخ زاهد گیلانی عارف مشهور قرن هفتم هجری معرفی شده است. بنابراین تحقیق پیش‌رو به‌صورت تحلیلی و توصیفی برای اولین بار دربارۀ وی گردآوری شده است.

دراین پژوهش در پی پاسخ به سئوال‌های زیر هستیم؟ بابا روشن کیست؟ احفاد و نسب‌شناسی آن به چه صورت هست؟ بابا روشن چه تأثیری بر شخصیت و هویت شیخ زاهد گیلانی گذاشته است؟ مقبره بابا روشن متلعق به کدام دوره بوده و از کدام سبک بناهای اسلامی می‌باشد؟ دلیل وجود مقابر هفتگانه پیران و باباهای شیوخ در جوار این بنا چیست؟ پاسخ به پرسش‌های فوق مستلزم تحقیقی منسجم، میدانی و انجام مطالعات باستان‌شناسی است که در این نوشتار گردآوری شده است.

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-10-08]

[DOI: https://doi.org/10.22034/15.30.245]

با این تصور وجود مقابر (هفتگانه) باباها و پیران در جوار مقبره ایشان نشان‌دهنده مرجعیت وی است. نقش ایشان به عنوان راهبر و پیشقدم در رواج مسلک صوفی‌گری و نشر اندیشه عرفان اسلامی برجسته تلقی می‌شود. وی با نفوذ و تأثیرگذاری در شخصیت عارفان منطقه نقش قطب‌العارفین را داشته است.

با توجه به عدم اشاره مستند و محتمل دانستن منابع تاریخی و فقدان مطالعات دربارهٔ مدفن این عارف بزرگ در گذشته، تاکنون ناشناخته مانده است. بنا به تحقیقات فعلی و شواهد میدانی و باستان‌شناختی پلان بنای آرامگاهی آن از سبک‌های مقابر قرون میانی اسلامی است. مقبره وی در روستای خشه حیران، نمین از استان اردبیل واقع است.

از نظر مطالعات تاریخی و باستان‌شناسی دربارهٔ این گونه عارفان در منطقه مورد بحث، پژوهش کمتری اتفاق افتاده و کار معدودی صورت گرفته است. برای نمونه در گذشته تراب طبا طبایی مورخ معاصر درخصوص آثار و بناهای تاریخی آذربایجان تحقیقاتی انجام داده ولی اشاره‌ای به این شخصیت و بنای آرامگاه او نکرده است، و یا نویسندهٔ معروفی مانند محمدجواد مشکور هم درباره آن سخنی به میان نمی‌آورد. قدیم‌ترین منبع در مورد نسب‌شناسی این عارف می‌توان به کتاب *صفوة الصفاء* ابن‌بزاز اردبیلی متعلق به قرن هشتم هجری وکتاب *تاریخ اردبیل و دانشمندان* نوشته آیت‌اله موسوی ننه کرانی و منبع مورخ نامی اردبیل بابا صفری اشاره کرد. در سال‌های اخیر پژوهشی مختصر و نوشته‌های کوتاهی در کتاب‌هایی مانند *تاریخ مشاهیر نمین* نوشته یحیی عسگری و یا *تاریخ و فرهنگ نمین* نوشته ستوده وکتاب دیگری به نام *شکوه دیرین نمین افسانه یا تاریخ* تألیف لاله عرفانی وجود دارد که در آن‌ها مطالبی در چند سطر نوشته‌اند.

به عبارت دیگر، پیشینه تحقیقات و مطالعات تاریخی و فعالیت‌های محدود باستان‌شناسی صورت گرفته دربارهٔ این عارف و آرامگاه وی خیلی کم و تنها چند مورد فوق الذکر بود که اشاره شد.

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-10-08]

[DOI: https://doi.org/10.22034/15.30.245]

محل آرامگاه بابا روشن در آخرین تقسیمات کشوری در محدوده جغرافیایی شهرستان نمین از استان اردبیل قرارگرفته است.

هویت‌شناسی و زندگی‌نامه بابا روشن (روشن امیر) به استناد منابع تاریخی

روشن امیر بن بابل بن شیخ بندار الکردی السنجانی معروف به بابا روشن (نام محلی) یکی از اهل‌دلان و عارفان قرن ششم هجری، منطقه اردبیل و آذربایجان شناخته می‌شود.

کاربرد اصطلاح «بابا» برای اغلب پیران و مشایخ این دوره از سالکان الهی در مناطق قفقاز، آذربایجان و آسیای مرکزی درگذشته رایج بوده است، نکته مهم در نامگذاری بابا یا پیر عنوان مشایخ صوفیان تلفظ محلی برای آنان به استناد مقالات (جمالی یوسف،۱۴۰۰؛ طاهری، ۱۳۸۹و بابا صفری،۱۳۷۰) است.

لقب احترام‌انگیز بابا برای عارفان و صوفیان به جهت برتری یافتن وجه اجتماعی آنان درآغاز قرن هفتم هجری درآذربایجان است (قربان‌نژاد، ۱۳۸۴: ۸).

یکی از منابع معتبر کتاب *تاریخ اردبیل و دانشمندان* نوشته آیت‌اله موسوی ننه کرانی است که از مراجع مهم مطالعاتی است. فهرستی از باباها و مشایخ منطقه عنبران- اردبیل تهیه کرده و از پیر بابا روشن هم در میان عارفان مشهور زمان خود (قرون میانی اسلامی) نام برده است (موسوی ننه کرانی ۱۳۷۴، ج۳: ۲۰۸).

تولد (شیخ زاهد) در سال ۶۱۵ قمری بوده است. زندگی و زمان حیات این عارف بزرگ مصادف با مقطعی از دوران قرون میانی اسلامی به‌ویژه قرن پنجم و ششم قمری است. این برهه زمانی با گذشت اندکی از آغاز دوران گسترش و شکل‌گیری تصوف و صوفی‌گری در ایران است. در طول حیات بابا روشن چه قبل و چه بعد از آن، بنا به روایات و مستندات تاریخی مانند کتاب *صفوة الصفا* و *زاهدنامه* و چند منبع دیگر از سیر زندگی و احوالات شیخ زاهد گیلانی و از انساب ایشان سخن به‌میان آمده، تاجایی که فصلی از مباحث خود را به شرح احوال اولیای طریق وکرامات متصوفه اختصاص داده‌اند و ذکری هم به عابد و پیر بودن تبار و اجداد شیخ زاهد دارند.

این عارف برجسته زمانی پا به عرصه وجود گذاشت که این منطقه، همپا با دیگر نقاط ایران در اوج ظهور شیوخ و گسترش صوفی‌گری بود. برخی از عارفان و مشاهیر برجسته این دوران مانند: «شیخ ابوسعید ابوالخیر، شیخ ابراهیم بن ادهم، شیخ جنید بغدادی، شیخ روزبهان بقلی فسایی شیرازی،

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-10-08]
[DOI: https://doi.org/10.22034/15.30.245]

شیخ محمد بن علی ترمذی، شیح حسین منصور حلاج، شیخ شهاب الدین سهروردی، شیخ فرید الدین عطار نیشابوری، مولانا جلاالدین مولوی بلخی و ...» بوده‌اند.

کتاب دیگری به نام *تاریخ جامع آستارا و حکام نمین* نوشته بهروز نعمت‌الهی به زندگی بابا روشن اشاره دارد:

> *شیخ زاهد فرزند بابا روشن در نوجوانی براساس کشش الهی و میل درونی به تحصیل علوم الهیه و شرعیه ابتدائاً نزد پدر پرداخت و پس از فوت پدر، ادامه تحصیلات را نزد استاد و عارف بزرگوار سید جمال‌الدین روحی آستارائی به اتمام رساند و خرقه طریقت و لقب زاهد را از استاد معنوی خویش دریافت نمود* (نعمت‌اللهی، ۱۳۸۰ : ۳۸).

قسمت‌های دیگر کتاب به طالبان مکتب این عارف پرداخته است؛ چراکه شاگردان و مریدان بسیاری را در پیرامون خود گرد آورده بود. نام برخی از سالکان و شیوخ را به نقل از همین منبع ذکر می‌کنیم. «پیر قطب‌الدین مرید شیخ شاه دینوری، پیر بدرالدین نمینی مرید، پیر روشن، پیرهدبه بیره سرائی، فخرالدین هروآبادی، بابا سید نشاری، سید مماشقان، شیخ تاج‌الدین ابراهیم بن روشن امیر، و دیگر باباهای صوفیه که به‌روایتی اهل قادریه و سادات زیدیه بوده‌اند (نعمت‌اللهی، ۱۳۸۰: ۸۶).

زمان و تاریخ دقیقی از تولد و وفات بابا روشن در دست نیست. اما آغاز طریقت شیخ از همان اوان کودکی بوده است. با توجه به اقوال تاریخی در کتب مختلف، بابا روشن مدتی پس از تولد فرزند خود شیخ زاهد در قید حیات بوده است. شیخ زاهد پس از طی دوره طفولیت و زمانی که به رشد عقلی برای درک علوم فلسفی آن زمان رسیده بود، اولین استاد معنویش پدرش (بابا روشن) بوده است. لازم به ذکر است شیخ صفی‌الدین اردبیلی در سن بیست‌وپنج سالگی به دیدار مرشد خود شیخ زاهد شتافته است (بابا صفری، ۱۳۷۰، ج ۳: ۳۵۷). سال درگذشت او به سال ۷۰۰ هجری قمری ثبت شده است؛ بنابرین با توجه به ثبت مستندات فوق و تحلیل موضوع می‌توان دریافت که زمان تولد، حیات و وفات شیخ بابا روشن در حدود اواخر قرن شش و اوایل قرن هفتم هجری قمری بوده باشد.

منابع مهم *صفوة الصفاء* و *عالم آرای عباسی* دیدار شیخ صفی با شیخ زاهد را در چله‌خانه شیخ زاهد ثبت کرده است (شکری، ۱۳۵۰: ۱۱). اما به چله‌خانه بابا روشن اشاره نشده است و حتی سخن از محل مزار وی نیست و تا به حال کسی از وجود خانقاه[1] یا چله‌خانه متعلق به وی سخن نگفته است. به‌نظر نگارنده احتمالاًهمان خانه مسکونی ایشان چله‌خانه وی بوده باشد.

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-10-08]

[DOI: https://doi.org/10.22034/15.30.245]

با تأیید برخی منابع و مباحث ذکر شده جای تردید نیست که بابا روشن یکی از عارفان و سالکان زمان خود بوده که با پارسایی تمام، در راه طریقت و عرفان قدم گذاشته است.

منابع تاریخی، اطلاعی از جزئیات چگونگی مرگ و محل آرامگاه بابا روشن به‌دست نمی‌دهند.

تحلیل و نسب‌شناسی احفاد و اولاد بابا روشن به‌عنوان پدر شیخ زاهد گیلانی

یکی از معتبرترین و موثق‌ترین منابع در نسب‌شناسی این عارف کتاب *اسس المواهب السنیة فی مناقب الصفویه*، مشهور به *صفوة الصفاء*، نوشته توکلی بن اسماعیل بن حاجی اردبیلی معروف به ابن‌بزاز می‌باشد که از مریدان طریقت وی بوده است. در این کتاب، به مسئله شیخ بودن هفت پشت خاندان این عارف اشاره شده و بر مسلک شیخی ایشان صحت گذاشته است؛ به مناسبت آنکه شیخ صفی‌الدین اردبیلی جد پادشاهان صفوی مرید شیخ زاهد گیلانی بوده است، مؤلف در مباحث مختلف کتاب شرحی از احوال و کرامات شیخ زاهد به میان می‌آورد و دربارهٔ نسب و نام اصلی شیخ زاهد چنین نوشته شده است:

> *شیخ تاج الدین ابراهیم بن روشن امیر بابل بن شیخ بندار الکردی السنجانی (ره)» در ادامه با ذکرنسب نیاکان وی می‌گوید «تا هفت پشت شیخ زاهد شیخ بودند و جد هفتمین او مرید ابن الاشیخ بود، شیخ بندار فرزندش بابل نام داشت و در طریقه مشیخیه بود وی را نیز فرزندی بنام روشن امیر (بابا روشن) بود، او نیز در سیر مشایخ طریقه رضیه داشت. شیخ روشن امیر در سیاورود اجابت داعی حق کرد و به رحمت پیوست* (ابن بزاز، ۱۳۷۳: ۱۸۵).

در جای دیگر کتاب اشاره می‌کند به محل زندگی روشن امیر و شیخ زاهد که از دیه بهر الاله و (سیاه رود) یا سیاورود (چند جا به این نام‌ها ذکر شده) این آبادی‌ها از دیه‌های کوهستان گیلان است. ایشان مستوره‌ای (زنی) را در عقد نکاح درآورد و از او شیخ تاج‌الدین ابراهیم معروف به شیخ زاهد قدس اله به دنیا آمد (ابن‌بزاز، ۱۳۷۳: ۱۸۵).

کتاب *زاهدنامه* اشاره می‌کند: «سید جمال‌الدین قطب طریقت منطقه سه مرید داشت که نام یکی از آن‌ها «بابل» بوده همان کسی که در سلسله مراتب نسب بابا روشن شرح داده شد. اکنون مقبره وی در جوار این عارف می باشد» (علوی، ۱۳۹۶: ۱۲).

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-10-08]

[DOI: https://doi.org/10.22034/15.30.245]

با نگاهی اجمالی به مقاله سعید نفیسی موضوع بیشتر روشن می‌گردد. محقق در توضیح نیاکان شیخ زاهد می‌گوید: تاج‌الدین ابراهیم ملقب به زاهد گیلانی خویش را ابراهیم گیلانی می‌گفته است. وی چنین می‌نویسد: «پدر او روشن امیربن بابل (یا بابیل، زیرا که از سه موضع کتاب *صفوة الصفا*، دو جا بابل و یک جا بابیل ضبط شده است) ابن شیخ بندار کردی سنجانی بوده است». ایشان نیزعلاوه بر تأکید به نسبت پدر و پسر روشن امیر و شیخ زاهد، ده «بهر الاله » را یکی از دیه‌های کوهستان گیلان می‌داند. محقق محل زندگی روشن امیر را که ظاهراً در سیاه رود یا (سیاو رود) مسکن داشته، محتمل می‌داند و همچنین با تردید می‌گوید در همان جا مرده است. باید گفت: اکنون در منطقه مورد بحث و محدوده آرامگاه بابا روشن رودی بنام قره سو (سیاه رود) جریان دارد. اما نویسندگان به‌علت دسترسی نداشتن به مدارک و مستندات کافی و ناشناخته ماندن مدفن عارف با تردید می‌گویند در همان‌جا مرده است. مهم‌تر اینکه محقق فوق نسب و نیاکان بابا روشن را تأیید کرده است (نفیسی، ۱۳۰۷، شماره۴).

در بررسی انساب بابا روشن به نوشتار دیگر و مقاله علمی عباسقلی غفاری‌فرد با عنوان «خاستگاه و نیاکان شیخ زاهد» رجوع می‌کنیم. ایشان با ارائه شواهد مکتوب و قراین وافی خاستگاه اجداد شیخ صفی و شیخ زاهد را غیر از گیلان و اردبیل دانسته و به سنجان ملحق نموده و درنهایت نسب هردو را کردی معرفی کرده است (غفاری‌فرد، ۱۳۸۷: ۶۷).

وی ضمن تأیید محل زندگی شیخ زاهد در روستای سیاو رود و دیه بهر الاله در نزدیکی آستارا آن‌سوی جمهوری آذربایجان، اشاره دارد به مهاجرت نیاکان شیخ زاهد به‌سوی گیلان که در سرزمین تالش سکونت کرده‌اند و شیخ زاهد به عنوان یک فرد تالشی در میان تالش‌ها با زبان و فرهنگ آن‌ها زندگی کرده است.

با این تصور، محل زندگی روشن امیر هم بی‌ارتباط با این محل نخواهد بود. اما به خاطر عدم اشاره کتب قدیمی و نبود منابع مکتوب درباره زندگی و شرح احوال بابا روشن، موقعیت این عارف مغفول مانده است.

در شناختن احفاد و نواده بابا روشن و شیخ زاهد درمی‌یابیم که متأسفانه دربارهٔ اهل و نسبت ابراهیم زاهد هم اطلاعات اندک و مبهمی وجود دارد. شاید تاکنون تحقیق منسجم و متقنی نشده

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-10-08]
[DOI: https://doi.org/10.22034/15.30.245]

است. تنها نامی از ایشان را در برخی منابع محققان می‌توان پیدا کرد؛ مانند: روشن امیر پسر بابیل شیخ بندار الکردی السنجانی (جمالی یوسف، ۱۳۸۷: ۴). اما انساب‌شناسی آن صورت نگرفته است.

برخی منابع معاصر مانند کتاب *شکوه دیرین نمین* تألیف لاله عرفانی (ص ۱۰۷) و کتاب *تاریخ آستارا و حکام نمین* نوشته (نعمت‌الهی و ستوده، ۱۳۸۰: ۴۹۵) و نویسنده کتاب *تاریخ و فرهنگ نمین* (ستودی، ۱۳۷۶: ۱۸۴) بابا روشن (روشن امیر) را بدون پرداختن به دلایل و جزئیات پدر شیخ زاهد ذکر می‌کنند.

بنابراین با کمی تأمل به محل تولد و زندگی عارف مشهور منطقه یعنی شیخ زاهد در کوهستان‌های تالش آستارا و اردبیل، طبیعتاً پرداختن به زندگی دو عارف و صوفی به نام شیخ بابا روشن (پدر) و فرزند وی شیخ زاهد (پسر) بدون ربط به‌هم غیرقابل فهم است. اما پرسشی مطرح می‌شود که چرا مقبره شیخ زاهد در شیخه کران جمهوری آذربایجان یا شهر لاهیجان ایران می‌باشد، ولی آرامگاه بابا روشن در خشه حیران نمین؟ باید گفت: این موضوع را می‌توان در بی‌ثباتی منابع مکتوب تاریخی و مغفول ماندن شخصیت وی دانست و شاید در خصیصه عزلت‌گزینی و گوشه‌گیری شیخ بابا روشن جست‌وجو کرد.

با تأیید مطالب و شواهد مکتوب در منابع ذکرشده دربارهٔ نسب‌نامه بابا روشن و شیخ زاهد به این نتیجه دست می‌یابیم که قطعاً روشن امیر (بابا روشن) پدر و قطب‌العارفین والسالکین شیخ تاج‌الدین ابراهیم ملقب به شیخ زاهد گیلانی است.

درتحلیل و تبیین شخصیت عرفانی این عارف، بحث دربارهٔ احوال شیخ زاهد گیلانی خالی از لطف نخواهد بود.

شرح حال قطب‌العرفا شیخ زاهد گیلانی فرزند (بابا روشن)

تاج‌الدین ابراهیم بن روشن امیر بابل بن کردی سنجانی معروف به شیخ زاهد گیلانی(۶۱۵ – ۷۰۰) از صوفیان بزرگ ایران محسوب می‌شود. ایشان مابین دو منطقه تالش ایران و تالش ناحیه حلیه کران- لنکران جمهوری آذربایجان در روستای سیاه رود تولد یافته است. در عنفوان کودکی در طلب سیر و کسب الهیات پا پیش نهاده و مسیر دیگری را برای عارفان و مشایخ پس از خود گشوده است. رساله‌ای از شیخ زاهد در دست نیست.

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-10-08]

[DOI: https://doi.org/10.22034/15.30.245]

از نظر برخی علما و محققین معاصر وی را جزو طریقه سهروردیه می دانند. یکی از نوادگان وی به‌نام شیخ حزین لاهیجی شاعر و عارف مشهور دوره (۱۱۸۰قمری)، خود را از نسب وی می‌شمارد و رساله‌ای در اخبار جدش تألیف نموده است (رک: حزین لاهیجی، ۱۳۷۵).

از مطالعهٔ روایات تاریخی درمی‌یابیم شیخ زاهد به شمال آذربایجان و مناطق شمال‌غرب ایران سفرهایی کرده است؛ زیرا که در محاورات خود با شیخ صفی‌الدین هم به زبان آذری و هم به زبان گیلانی گفت‌وگو کرده است.

شیخ زاهد در جوانی پدر خود یعنی بابا روشن را از دست می‌دهد و در نزد عالم معروف سید جمال‌الدین روحی با آموختن علوم دینی و فلسفی و معلومات آن زمان خرقه طریقت و لقب زاهد را با نقل حکایتی از استاد خود به خلعت می‌برد (نعمت‌الهی، ۱۳۸۰: ۵۳۶ ؛ موسوی نته کرانی، ۱۳۷۴، ج۳: ۲۸۷). بعضی براین باورند که شیخ بانی مکتب زاهدیه است. در مکتب وی، مریدان و شاگردان تربیت‌یافته بسیاری هستند که هرکدام نقش بی‌بدیلی در گسترش و اشاعه مسلک و مرام صوفی‌گری داشته و حتی صاحب طریقت شده‌اند. نمونه مریدان ایشان شیخ صفی‌الدین اردبیلی است که قطب‌العارفین بنیانگذار طریقت صفوی شناخته می‌شود.

تأثیر شخصیت عرفانی شیخ روشن امیر بر پیران و باباهای منطقه

به‌طور کلی حلقه‌های صوفی را به دو گروه تقسیم می‌کنند: متمرکز و غیرمتمرکز که در حلقه متمرکز وجود رهبری یگانه (مرشد، پیر و بابا) قرار دارد که سلسله مراتب سلوک را منتقل می‌کرده‌اند مانند طریقت‌های قادریه در شمال قفقاز (سید طاهری، ۱۳۸۹: ۱۴).

بااین اوصاف طبق شواهد و مستندات انساب‌شناسی بابا روشن را از حلقه صوفیان متمرکز می‌توان به‌شمار آورد؛ چرا که نقشی که وی بر تربیت فرزند خود شیخ زاهد و دیگر شیوخ داشته است را می‌توان در تجلی و نمود بارز رسیدن شیخ زاهد به مرتبه‌ای از کمال و دانش شهودی و حضوری دید که رهبری طریقت زاهدیه را برعهده گرفت.

با عنایت به اینکه شیخ روشن امیرعلاوه‌بر تأثیر شگرفی که بر شخصیت فرزند خود شیخ زاهد گذاشت حتی با تأیید عقبه نیاکان وی که این خصوصیت شیخی به صورت موروثی به ایشان رسیده بود می‌توان تجلی آن را درآثار و اشاعه اندیشه‌های معنوی و تعالیم اسلامی به سالکان و عابدان این منطقه از شمال‌غرب ایران دید. با یک نگاه کلی این مسلک اولیائی را در سیرت و تربیت احفاد و

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-10-08]
[DOI: https://doi.org/10.22034/15.30.245]

نوادگان بعد از خود ایشان هم می‌توان یافت. شیخ زاهد و فرزند ایشان به‌نام شمس‌الدین محمد و دیگر شیوخ در مکتب خانواده‌ای تربیت یافته‌اند که ادعای معرفت الهی داشتند و سرآمد دراویشان زمان خود بوده‌اند. مهم‌تر اینکه علت تأثیر عمیق بابا روشن بر اهل‌دلان و مشایخ منطقه شمال‌غرب ایران داشتن پشتوانه محکم و ریشه در صلاله خاندان وی داشته که شیخ زاهد را به این مرتبه از عرفان رسانیده است. بدون تردید زهد شیخ زاهد را در تکیه بر تقیه، تذهیب نفس، اخلاق الهی و پارسایی نیاکان ایشان یعنی شیخ بابا روشن باید جست‌وجو کرد که محققان کمتر دربارهٔ آن نوشته‌اند.

در منطقه مرزی گیلان با اردبیل و عنبران نمین، مقابر باباها و مشایخ بسیاری مشاهده می‌شود که نشان و گویای وجود مکاتب عرفانی است که تأثیر اندیشه و سلوک این عارف بر دیگر مشایخ زمان او است. منطقه مورد بحث کانون عارفان بزرگی است که به عقیده سید سلمان صفوی محقق برجسته علوم اسلامی سرمنشأ و شاخه برخی سلسله دراویش از قبیل زاهدیه و قادریه است. عارفان قبل وی که منهاج از مکتب سهروردیه بوده، مشرب این طریقت را پیموده‌اند (علوی، ۱۳۹۵: مقدمه).

آرامگاه‌های بسیاری از پیران و باباها که در منطقه شمال‌غرب ایران به‌ویژه نواحی اردبیل و عنبران، آستارا، تالش، لنکران و مناطق مختلف آذربایجان پراکنده‌اند،گویای این است که منطقه زیر نظر شیوخ و اهل‌دلانی به‌ویژه شیخ بابا روشن در خشه حیران[۲] نمین بوده‌اند؛ همچون شیخ زاهد تاج‌الدین ابراهیم گیلانی متوفی به سال ۷۰۰ هجری، به مرشد و استاد خود به‌نام سیدجمال‌الدین تبریزی و دیگر مریدان این مکتب مانند شیخ محمود خیوی ، پیر قطب‌الدین آستارایی، پیر بدرالدین نمینی در نمین و خطیب پوته سری که درزمره پیروان او درآمدند، اشاره دارد (کربلایی تبریزی، ۱۳۸۰، ج۱: ۸۹). از دیگر عابدان به‌نام حاج حسین بریسی فرزند یا مرید پیر بدرالدین از مشایخ مشهور آن زمان که مزارش در روستای بریس نمین قرار دارد (رک: ابن‌بزاز، ۱۳۷۳: ۷۱۴). و نیز بابا لنگ یا پیر لنگ درروستای ننه کران نمین، بابا گیل، بابا رحمان در زواندبین لنکران و لریک جهموری آذربایجان، بابا اسماعیل، بابا مرضی، بابا بلندی و .... (عسگری، ۱۳۹۰ :۱۵۶). و صفحات متعدد کتاب نعمت‌الهی (۱۳۸۰ ،۱۶۱و...). از باباهای منطقه عنبران هم مانند بابا حمزه درمیناباد نمین، بابا خرم، بابا منصور، بابا داود، بابا خضر در عنبران علیا و دیگر باباهایی که امروزه زیارتگاه مردمان محلی است. در پی این بحث درمی‌یابیم که در دوران قرون میانی و به‌ویژه سلاجقه، ایلخانی و بعد از آن در منطقه مزبور، سلاسل مشایخ و باباهایی زیسته‌اند که به جریان تصوف ارتباط دارند.

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-10-08]

[DOI: https://doi.org/10.22034/15.30.245]

مصداق محکم این ادعا وجود مقابر هفتگانه از بناهای تاریخی (آرامگاهی) متعلق به پیران و باباها در محل مورد بحث است که بقعه بابا روشن یکی از آن‌هاست. این بقاع محوطه هفت گنبد مشهور است و تحت شماره ۹۱۶۴ در سال ۱۳۸۲ در فهرست میراث فرهنگی (ملی)کشور به ثبت رسیده است (علیزاده، آرشیو اداره میراث فرهنگی، ۱۳۹۵). وجود چنین مقابر در یکجا دلالت بر این موضوع است که به یقین این باباها و پیرها از مریدان بابا روشن یا مشایخ منطقه بوده‌اند.

در شناخت باباهای این منطقه به دو منبع مهم *تاریخ اردبیل و دانشمندان* و *اردبیل در گذرگاه تاریخ* می‌رسیم که فهرستی از عارفان و دانشمندان اردبیل را گردآوری کرده‌اند. در این منابع، علاوه‌بر اشاره به بابا روشن از مشاهیر به‌نام چون باباقلی اردبیلی، رهبر عرفانی وی بابا حسن نام برده شده است. همچنین هفتادودو تن از مریدان تربیت‌یافته در مکتب ایشان ذکر شده است (بابا صفری، ۱۳۷۰: ۳۰۵).

در کتاب *عالم آرای عباسی* صفوی (شکری، ۱۲:۱۳۵۰) سخن از ملاقات شیخ زاهد باشیخ صفی در چله‌خانه می‌رود اما تا به حال از وجود خانقاه یا زاویه و چله‌خانه ودیگربنای مرتبط با اعمال سالکانه که تعلق به شیخ بابا روشن دارد، چیزی ننوشته‌اند. ولی با مطالعه شرح احوال ایشان، قطعاً وی مکانی برای عزلت‌گزینی داشته است. نگارندگان معتقدند روشن امیر در طریقه مشایخی بوده و محتملاً خانه و مأمن ایشان چله‌خانه وی بوده است. دلیل عدم احراز مکان خانقاهی وی را می‌توان در عدم ثبت منابع تاریخی و از بین رفتن آثار و شواهد فیزیکی بنا دانست یا در خصیصه درویش‌مسلکی و عزلت‌گزینی ایشان.

در نزدیکی منطقه مورد بحث محوطه‌ای تاریخی و ثبت شده در فهرست میراث ملی کشور به‌نام چهل‌تنان با ساختار سازه‌ای قلعه‌ای شکل بر بلندترین کوه منطقه وجود دارد (نورزاده، ۱۳۹۶) که به عنوان محفل و مجمعی برای دراویش و صوفیان محل بوده و در ایام خاصی از سال برای ذکر و انجام اعمال سالکانه کاربری داشته است. در *دایرة المعارف بزرگ اسلامی* چهل‌تنان متعلق به سالکان و ابدال، اوتاد و اولیای متصوفه بوده که تعداد مشخصی دارند و بر امورات جهان نظاره می‌کنند.

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-10-08]

[DOI: https://doi.org/10.22034/15.30.245]

واکاوی مستندات و پژوهش‌های باستان‌شناسی آرامگاه شیخ بابا روشن

در مباحث پیشین دربارهٔ محل تولد و مدفن شیخ بابا روشن مطالبی گفته شد، اما ذکر چند نکته دربارهٔ محل ولادت و مدفن پسر ایشان یعنی شیخ زاهد مطرح است که بدون شک زادگاه شیخ بابا روشن را تحت‌الشعاع خود قرار داده است. منابع دوره صفویه و برخی محققان، زادگا، محل زندگی و آرامگاه شیخ زاهد را به دلیل داشتن دو همسر یکی در سیاو رود و دیگری در حلیه کران جمهوری آذربایجان ضبط کرده‌اند، اما تعدادی از تذکره‌نویسان آذربایجانی، و تعدادی از منابع موثق مانند کتاب *صفوة الصفاء*، *جواهرنامه لنکران* و دیگر مقالات که در چند دهه اخیر نوشته شده مقبره و مدفن شیخ زاهد را باشک و تردید در لاهیجان گیلان دانسته و تعدادی هم در روستای حلیه کران جمهوری آذربایجان گزارش کرده‌اند. پژوهشگران در این مورد متفق القول نیستند، اما امروزه مقبره وی در نزد ایرانیان در شهر لاهیجان شناخته می‌شود.

برخی ارجاعات نویسندگان مهم و قابل استنادی مانند *تاریخ اردبیل و دانشمندان*، مزار شیخ زاهد در هلیه کران یا شیخ کران در نزدیکی لنکران جمهوری آذربایجان می‌دانند (موسوی نه کرانی، ۱۳۷۴، ج۳: ۲۸۴). از دیگر محققان مشهور مانند عون‌اللهی و هارون شفیقی اذعان دارند مقبره شیخ زاهد در شیخه کران قرار دارد.

در اینجا می‌توان با ذکر چند نکته به موضوع پرداخت. نکته اول: زمانی منطقه مورد مطالعه قبل از توافق عهدنامه ترکمانچای جزو ولایات دارالمرز محال تالش و ایران محسوب می‌شده و روابط فرهنگی عمیقی بین دو محل برقرار بوده است. به گمان برخی منابع، سیاو رود زادگاه شیخ زاهد در میان این دو منطقه واقع شده است. امروزه در منطقه مورد بحث رودی بنام قره سو(سیاه رود) وجود داردکه درکتاب دست‌نویس *تذکره سعیدیه* رود فوق زمانی مرز بین منطقه ویلکیج امروزی نمین (اردبیل) و طالش گیلان و جمهوری آذربایجان در دوره قاجار بوده است (برادگاهی لنکرانی، ۱۲۸۶ق: ۲۰).

محل زندگی شیخ زاهد و روشن امیر به احتمال یقین بی‌ارتباط به این دو محل نخواهد بود. بنابر مندرجات منابع موجود در مورد محل دفن این دو عارف باتردید روبرو می‌شویم، اما پژوهش‌ها و بررسی‌های میدانی باستان‌شناسی نشان دادکه بناهای آرامگاهی واقع در مابین روستای خشه حیران و جله کران نمین واقعیت راروشن‌تر کرده و به اثبات می‌رساند.

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-10-08]

[DOI: https://doi.org/10.22034/15.30.245]

در شمال شرقی شهر نمین، در کنار جاده ارتباطی دو آبادی بنام جله کران و روستای تاریخی خشه حیران محوطهٔ بناهای تاریخی قرار دارند که به «هفت گنبد» مشهورند. یکی از این مقابر، مزار پیر بابا روشن نامیده می‌شود. این مقبره در سمت شمال غربی آبادی و به فاصله حدود هفت‌صد متری از آن واقع است. محیط آن را امروزه باغ و پوشش گیاهی مراتع فراگرفته و چشمه‌ای هم وجود دارد که پذیرای گردشگران محلی است.

برابر تحقیقات میدانی درسال‌های اخیر و گفته اهالی روستا در زمان‌های قدیم روستای دیگری غیر از آبادی فعلی به نام «بابا روشن» وجود داشته است. اکنون همان آبادی قدیمی از بین رفته و روستای خشه حیران تشکیل یافته است (یوسفی و حقی، ۱۳۹۵: ۱۹۰) .

بنای مقبره بابا روشن امروزه مخروبه گشته و شکل کاملی از ایستایی آن باقی نمانده و فقط بقایای پی وپایه بنا دیده می‌شود حتی سنگ قبرآن تخریب شده است.

متأسفانه اکنون بیشتر سازه‌ها و بناهای بقاع به دلایل مختلف مانند عوامل انسانی، محیطی و غیره تخریب و از بین رفته‌اند. از هفت بنا تنها یکی، دو تا از اجزائ مقبره‌ها، پایه‌ها، فنداسیون و قسمتی از دیواره و ازاره بنا مانده است که اطلاعات جزئی و مختصری را ارائه می‌کند که درصورت انجام کاوش‌های باستان‌شناسی بقایای بناهای فوق نمایان خواهد شد.

از پوشش و سقف مقابر و همچنین از نحوه و ساختار تزئینات بیرونی آن اطلاعی زیادی در دست نیست، آثار ستون و یا بقایای سقف چوبی در محل مشاهده نمی‌شود، احتمالاً سقف گنبدی داشته است. از بقایای بخشی از دیواره حدود یک‌ونیم متری می‌توان نتیجه گرفت که بنا فاقد تزئینات و آرایش کاشی‌کاری رنگی در دیوارها داشته باشد. لازم به ذکر است که جای در ورودی مقبره در اضلاع آن به علت تخریب زیاد قابل تشخیص نیست. به نظر می‌رسد درسمت غربی مقبره ورودی داشته است.

در تحلیل ساختار بنایی مقبره باید گفت تعلق و منتسب نمودن آن‌ها به دوره خاص از روی مقایسه ساختار و نحوه آرایش، تزئین بنا، مصالح و یا از تاریخ مکتوب و منقول در متون تاریخی شناخته می‌شوند. اما این مقابر به دلیل عدم وجود کتیبه در آن و نبود اطلاعات کافی در منابع تاریخی و تخریب بیش ازحد، امکان تشخیص و شناخت جزئیات عناصر سازه‌ای وتزئینی وجود ندارد. نمونه‌ای از این مقابر شناسایی شده از نظر پلان مشابه در چند نقطه از منطقه اردبیل مانند گنبدالله الله

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-10-08]
[DOI: https://doi.org/10.22034/15.30.245]

شیخ صفی دوره ایلخانی، گنبد پیرصومعه در نزدیک اردبیل و در حوزه شهرستان نمین می‌باشد. در حومه عنبران به مقابر باباهای (پیر) متعددی برمی‌خوریم که هرکدام پلان و ساختار متفاوتی دارند و از نظر مصالح و سایر ویژگی‌ها به هم شبیه‌اند. ولی درباره این مقبره می‌توان گفت که بنای فعلی حداقل از دوره صفویه وجود داشته است. منتسب نمودن سازه فعلی به دوره صفوی یادآور این موضوع است که نوادگان شیخ صفی به لحاظ احترامی که به جد خود داشته‌اند با نقل از کتاب *عالم آرای عباسی* که اشاره دارد شیخ حیدر و شاه عباس صفوی در هنگام فارغ شدن از جنگ با دولت عثمانی، برای زیارت نیاکان خود به بارگاه شیخ صفی در اردبیل و از آنجا به زیارت مزار شیخ زاهد می‌رفتند. ازاین‌رو در این ایام دستور تعمیر بقعه دایی خودشان مرشد شیخ صفی‌الدین در شیخه کران را در آن‌سوی جمهوری آذربایجان داده‌اند. گذشته از این در کتاب *احسن التواریخ* نوشته حسن روملو از کتاب‌های مهم دوره تیموری به جابجایی و عمارت مقبره شیخ زاهد توسط شاه اسماعیل صفوی اشاره شده است (رک: روملو، ۱۳۷۵ :۸۶۶). در *جواهرنامه لنکران* نیز این مطلب را یادآوری کرده‌اند (برادگاهی لنکرانی، ۱۲۸۶ق:۲۰). بنابراین این نظریه که شاهان صفوی چه‌بسا در تعمیر و بازسازی بقعه بابا روشن و محوطه هفت‌گنبد هم دست داشته‌اند، تقویت می‌شود. پلان هشت ضلعی مقبره یاداور الگوی مقابر گنبد الله الله شیخ صفی است.

در مطالعات تاریخی و باستان‌شناسی محوطه بابا روشن، درباره قدمت این بناها – دوران سلجوقی و ایلخانیان- می‌توان به دلایل ذیل استناد کرد:

اول. با بررسی ساختارمقابر موجود و شواهد دیگر و بررسی قطعات سفال‌های سطحی محوطه می‌توان گفت که سابقه آثار در آن، به قرون میانی ازجمله دوره سلجوقی و ایلخانی مرتبط است.

دوم. در بررسی میدانی و سطحی محوطه به تعدادی از انواع قطعات سفال دست یافتیم با مشخصات سفال‌های دوره اسلامی از طیف رنگی فیروزه‌ای، سبز اسگرافی، سفال بدون لعاب و ساده در رنگ‌های مختلف از قرمز تا قهوه‌ای مایل به نخودی که تعلق به دوران میانی اسلامی به‌ویژه دوره سلجوقی دارند.

سوم. وجود سنگ قبرهای صندوقی شکل و پشته‌ای به اصطلاح کوهان‌دار است که بنا به بررسی‌های باستان‌شناسی از دوره ایلخانی در منطقه رایج شده است. ازین نوع سنگ قبرها در مناطق نزدیک این محوطه دیده می‌شود.

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-10-08]

[DOI: https://doi.org/10.22034/15.30.245]

به نظر نگارندگان و اشاره برخی متون تاریخی، وجود مزار بیشتر باباها در این منطقه ناشی از اهمیت بالای مشایخ در یک دوره زمانی است. درنهایت این مشایخ در طی کردن مراحل و شرایط اصلی سالکانه یعنی شناخت شریعت، طریقت و رسیدن به حقیقت نقش بارزی را ایفا کرده‌اند.

نتیجه:

ظهور و ترویج اندیشه‌های عرفانی و مسلک صوفی‌گری در مقطعی از زمان شتاب بیشتری به‌خود گرفت. برخی از محققان عقیده دارند چند عامل در این باره مؤثر بوده است: از فرقه‌گرایی گرفته تا توسعه اندیشه‌های اسلام‌گرایی اصیل در میان اهل سلوک و مهم‌تر از این که گسترش و شکل‌گیری جماعت صوفیان درقرون ۴ و ۵ هجری و پس از آن را می‌توان به ظهور مشایخ متنفذ، برجسته و صاحب زهد و سلوک مرتبط دانست که حول محور این مشایخ جماعت صوفیان شکل می‌گیرند. این جماعت در تأکید به دو بعد تعلیم و تربیت در عرفان اسلامی نقش اساسی دارند.

مصادف شدن زمان حیات شیخ روشن امیر در اواخر قرن ششم هجری که با اوج گسترش صوفی‌گری در ایران بود، زمینه ترویج و گسترش جماعت باباها و پیران را در این خطه از شمال‌غرب ایران فراهم کرد.

با اذعان و تأیید منابع تاریخی موثق چون کتاب *صفوة الصفاء* ابن‌بزاز اردبیلی، *تاریخ اردبیل و دانشمندان*، *زاهدنامه*، نوشته‌های بهروز نعمت‌الهی؛ مقاله نفیسی و... روشن امیر را در هویت شیخ سالک و صاحب زهد و عرفان دانسته و مهم‌تر اینکه وی را از انساب شیخ زاهد ثبت کرده‌اند.

از گفته‌های برخی منابع درباره شیخ زاهد گیلانی که وی را قطب الا قطاب قرن هفتم هجری دانسته‌اند این صاحب خرقه را بنیانگذار طریقت زاهدیه ثبت کرده‌اند. ایشان معاصر با شیخ صفی‌الدین اردبیلی بانی طریقت صفویه است. شیخ زاهد و اولاد و احفادش حلقه اتصال مکتب صفویه به مکتب سهروردیه نیز می‌باشند. به استناد ابن‌بزاز، هفت جد شیخ زاهد شیخ بودند و شیخ بابل پدر روشن امیر در طریقه شیخیه بود. وی را نیز فرزندی به نام روشن امیر (بابا روشن) بود. او نیز در طریقه مشایخی بود.

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-10-08]

[DOI: https://doi.org/10.22034/15.30.245]

براساس بررسی منابع معاصر محلی چون کتب *عرفا و علمای عنبران* تألیف هارون شفیقی شکوه دیرین نمین، *تاریخ آستارا و حکام نمین*، *برگ‌هایی زرین از عنبران*، *اردبیل درگذرگاه تاریخ* (باباصفری)، این منطقه و طالش جمهوری آذربایجان قبل از تشکیل دوره صفویه مجمع صوفی‌گری و تصوف بوده است.

منشأ پیدایش پیران و باباهای این منطقه از شمال‌غرب ایران برای هیچ‌کس معلوم نیست. نگارندگان در طی تدوین این نوشتار متکی به مستندات میدانی، شواهدات و شناخت کافی از محل و رجوع به مطالعات باستان‌شناختی به یک رهیافت اذعان دارند که علت وجود فهرست بلندی از باباها و پیران و مهم‌تر اینکه مجموعهٔ مقابر در محوطهٔ تاریخی و ثبت شده در میراث ملی کشور به نام «هفت گنبد» در این مکان تاریخی و پراکندگی تعدادی از آرامگاه‌های متعلق به باباها، پیران و مشایخ در منطقه که بابا روشن هم یکی از آن‌هاست، گواه این است که مکان فوق نقش مرکزیت داشته و نقطه کانونی در اشاعه فرهنگ تصوف بوده و چه‌بسا نقش مؤثری در انتقال الهیات و آموزه‌های تعالیم اسلامی داشته است. نگارندگان هم به مرکزیت و کانون بودن منطقه درگسترش جماعت صوفی تأکید می‌ورزند.

وجود باباها و مشایخ (پیران) منطقه دلالت بر تأثیری است که بابا روشن علاوه‌بر راهبری و هدایت شخصیت فرزند خود شیخ ابراهیم زاهد داشته و حتی بر دیگر عارفان شمال‌غرب ایران نیز تأثیرگذار بوده است.

امروزه آبادی‌هایی با نام خانقاه سفلی، علیا و محل‌هایی به نام چله‌خونه (چله خانه) در حومه عنبران ودیگر مکان‌ها در منطقه که ارتباط با خانقاه و صوفی دارند، از فاکتورهای تأیید موضوع فوق هستند.

پی‌نوشت‌ها:

۱. چله‌خانه مکانی جهت ریاضت صوفی و سالک به مدت چهل شبانه روز است.

۲. یکی از آبادی‌های شهرستان نمین که نزدیک مدفن شیخ بابا روشن قرار دارد.

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-10-08]

[DOI: https://doi.org/10.22034/15.30.245]

کتاب‌نامه:

- ابن‌بزّاز؛ درویش توکلی اسماعیل بن الحاج الاردبیل. (۱۳۷۳)، *صفوة الصفا فی مناقب الاولیاء و مدارج الاصفیاء*، نسخه خطی لیدن، نسخه عکسی متعلق به کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، شماره ۷۰۱۹.
- برادگاهی لنکرانی، سعید بن کاظم بیگ. (۱۲۸۶ق)، نسخه خطی *تذکره سعیدیه یا تاریخ لنکران*، مجلس شورای اسلامی، شماره ۲۴۰۸۶.
- روملو، حسن بیگ. (۱۳۷۵)، *احسن التواریخ*، تصحیح عبدالحسن نوائی، تهران: بابک.
- ستودی نمین. فرح بخش. (۱۳۷۶)، *تاریخ فرهنگ نمین*، تبریز: شیخ صفی‌الدین.
- شفیقی، هارون. (۱۳۶۵)، *علما و عرفای عنبران*، تهران: شفیقی
- شکری، یداله. (۱۳۵۰) *عالم آرای صفوی*، تهران: بنیاد فرهنگ.
- صفری، بابا. (۱۳۷۰)، *اردبیل در گذرگاه تاریخ*، چاپ دوم، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.
- طاهری، سید مهدی. (۱۳۸۹)، «جریان تصوف در آسیای مرکزی»، *فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی*، ۲۴۱-۱۹۷.
- غفاری‌فرد، عباسقلی. (۱۳۸۷) «خاستگاه و نیاکان شیخ زاهد و محل آرامگاه او»، سال سوم، شماره ۱۲.
- عرفانی نمین، لاله. (۱۳۸۹)، *شکوه دیرین نمین افسانه یا تاریخ*، تهران: شامران.
- عسگری، یحیی. (۱۳۹۰)، *قلعه‌های آذربایجان و گیلان در آینه تاریخ به ضمیمه تاریخ شیندان قلعه سی* . اردبیل: شیخ صفی.
- علوی، مهوش السادات. (۱۳۹۶)، *زاهد نامه سیر زندگی و احوالات شیخ زاهد گیلانی*، سلمان آزاده (آکادمی لندن)
- علیزاده، محمد. (۱۳۹۵)، *گزارش بررسی باستان‌شناختی شهرستان نمین*، آرشیو میراث فرهنگی اردبیل.
- قربان‌نژاد، پریسا. (۱۳۸۴)، تاریخ تمدن اسلامی –شماره اول،۹۲- ۶۳.
- کربلایی تبریزی، حافظ حسین. (۱۳۸۰)، *روضات الجنان و جنات و الجنان*، تبریز: ستوده.
- موسوی ننه کرانی، آیت‌اله فخرالدین. (۱۳۵۷)، *تاریخ اردبیل و دانشمندان، خراسان:* چاپخانه خراسان.
-

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-10-08]

[DOI: https://doi.org/10.22034/15.30.245]

- نعمت‌الهی ، بهروز. (۱۳۸۰)، *تاریخ جامع آستارا و حکام نمین*، تهران: شیخ صفی‌الدین اردبیلی.
- نفیسی، سعید. (۱۳۰۷)، «شیخ زاهد گیلان»، *مجله فرهنگ رشت*، شماره ۴.
- نورزاده، منوچهر. (۱۳۹۶)، «بررسی قلعه‌های تاریخی شهرستان نمین و نقش آن در روابط دوسویه فرهنگی تاریخی با منطقه قفقاز» نشر در سومین همایش باستان‌شناسی کشور.
- یوسف جمالی، محمدکریم. (۱۳۸۷)، «روابط متقابل سشیخ زاهد با شیخ صفی‌الدین اردبیلی»، *فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ اسلام*، شماره ۹.
- یوسفی، محرم و حقی نوجده. (۱۳۹۴)، *فرهنگ جغرافیای نمین*، اردبیل: شیخ صفی‌الدین.

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-10-08]

[DOI: https://doi.org/10.22034/15.30.245]